



واژه قشقای در اسناد صفویه

پدیدآورده (ها) : احتشامی، لطف الله
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: گنجینه اسناد :: زمستان 1380 - شماره 44
از 14 تا 27

آدرس ثابت : <http://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/92345>

دانلود شده توسط : سارا سلطانی
تاریخ دانلود : 16/08/1395

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



واژه « قشقایی » در اسناد صفویه

لطف‌اله احتشامی

ایل شناسان، معتقدند که واژه‌ی « قشقایی » از دوران کریم خان زند در نوشته‌ها و اسناد دیوانی به کار رفته است. ولی اسنادی که به شرح آنها می‌پردازیم، این ادعا را نفی می‌کند و بیانگر آن است که واژه‌ی « قشقایی » سابقه‌ی طولانی در اسناد صفویه دارد و گمان می‌رود که پژوهشگران ایلی، تاکنون در تحقیقات خود، به اسناد جدیدی که آنان را متقاعد کند، دست نیافته‌اند و فقط به واژه‌ی « قشقایی » در سند دیوانی مورخه ۱۱۲۸ ق. که میرزا محمد حسین مستوفی، آن را در تاریخ ۱۲۱۵ ق. استنتاج و ضبط نموده است. بسنده کرده‌اند و لذا آنان، معتقدند که در روزگار صفویه، ایلی که « قشقایی نام داشته، ساکن فارس بوده است، و در مورد ایل قشقایی، پارا فراتر از این نگذاشته‌اند.

محقق فاضل، سیروس برهام، در کتاب خود نوشته است: میدانی ایل قشقایی، امری است نسبتاً متاخر، که در اواخر روزگار صفویه نحقق یافته، پس از آن، ایلی که « قشقایی » خوانده شود، وجود نداشته است. همین است که علیرغم بود و باش دست کم ششصد ساله طولانی از قشقاییها در فارس، قدیمی‌ترین سند تاریخی واجیع به آنان، از زمان کریم خان زند، فراتر نرفته است و نخستین بار که لفظ قشقایی، در تاریخ ضبط شده، در سده‌ی یازدهم هجری است، آن هم در شعر و نه در متون تاریخی؛ و پیش از آن، در هیچ کجا و در هیچ کتاب و نوشته‌ای، از « قشقایی » یاد نشده است. (۱) و اولین ضبط، در تذکره‌ای است به نام تذکره‌ی نصر آبادی که در نیمه‌ی اول سده‌ی یازدهم تألیف شده است. در آنجا، شاعر اصفهانی، از « باره خیک بتر خلیج و قشقایی » یاد می‌کند. (۲) ولی باید گفت که: « نخستین متن مکتوب بازمانده به زبان قشقایی، ظاهر آکنیه گرانسنگ، « تان یوقوق ITAN yogug » است، که سه متر و هفتاد و پنج سائیکه طول دارد و در دوره بلاش اشکانی پدید آمده است. این کتیبه را در سال ۱۸۸۹ م، رادلف Radloff آلمانی کشف و فرانت کرده است.

نگارنده، در پژوهشهای عشایری در قلعه‌ی (۳) آبا و اجدادی خود، به اسنادی دست یافته که در تمام آنها، واژه‌ی « قشقایی » کتابت شده و موید آنست که واژه‌ی « قشقایی » حداقل از دوران صفویه به شکل فعلی نوشته می‌شده و ایلی به نام « ایل عبدالجلیلی قشقایی » وجود داشته و فرمان مورخ ۱۰۱۹ ق. شاه عباس، شاهد این مدعاست. لذا سعی بر آنست که در این مقاله کوتاه، به معرفی نمونه‌هایی از آن اسناد (فرمانها، اسناد ملکی، قباله‌های ازدواج و سنگ‌نوشته‌ها) در دوره صفویه و دوره‌های بعد از آن، به ترتیب تاریخ سند برداشته شود.

فرمانها:

سند شماره ۱۵

بنده شاه ولایت، عباس
۹۹۹

فرمان همایون شد آنکه چون در مولا کلا خدا بوشاد (۴) و جمعی از عجزه و رعایای احشام عبدالجلیلی قشقایی به عرض رسانیدند که جماعت مذکوره ایل عبدالجلیلی، شریک جمع بنیجه ایشانند و مترجعات ایشان در تحت احشام عبدالجلیلی ابواب جمع است و برلیغ مهر

اولاد	اولاد	اولاد	اولاد
حسن علی	حیدر میر حاجی	خضر شیر گز و محمد باقر	اسماعیل محمد گرو احمد

اولاد
حیدر حاجی

اولاد
امرانله

اولاد
اسماعیل و شاه ولی کینجا

اولاد
اسماعیل محمد حسین

اولاد
امریری

اولاد
سلطان کمانگر و حیدر علی

اولاد
اسماعیل صبا

اولاد

در این باب در دست دارند و مرتضی قلی، ولد ملک بیگ، قشقایی، به خلاف حکم و حساب، مانع و مراجع شده، نمی گذارد که بارعایای عبدالجلیلی دست یکی داشته، به دستور رعایا و سرکار، از عهده مال و حقوق دیوانی خود از قرار واقع بیرون آیند و این معنی، خلاف حساب است. بنابراین مقرر فرمودیم که چون نتیجه جماعت مذکور، در نحت عبدالجلیلی ایوب جمع بوده باشد و کدخدایان عبدالجلیلی، در این باب سرخط و برلیغ مهر در دست داشته باشند، با سایر کدخدایان و رعایای عبدالجلیلی دست یکی داشته، هر یک از عهده سری واقعی خود به دستور سایر رعایا و شرکای بیرون آمده، ستم شریکی ننمایند و سال به سال متوجهات خود را، به حواله کدخدایان عبدالجلیلی، از قرار حق و حساب و اصل نمایند و به عذر بی حساب، موقوف نمانند. مرتضی قلی مذکور، حسب التمسعور مقرر حالی به خلاف حکم و حساب مانع نشده گذارد هر جماعت مذکور، با سایر رعایای عبدالجلیلی دست یکی داشته، از عهده حقوق دیوانی خود بیرون آیند و از نترسد، که موجب مواخذه است. آمد و شد نمایند. به عهده بیولدار، از جماعت «قشقایی» که در این باب، نهایت امداد به تقدیم رساند و مجال تعدد بی حساب به احدی ندهد و از جاده حق و حساب تجاوز ننموده، از شکایت رعایا محذر باشند. در این باب قدغن، حالی هر ساله حکم مجدد طلب نکند (۵).

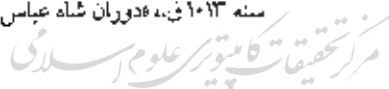
تحریر شهر ذی حجه الحرام ۱۰۱۹ ق.

اسناد ملکی

سند شماره ۶

سند ملکی، که در آن آمده، بوخیرید از وی، خانق، ولد عاشور قلی جماعت اصلانی قشقایی همگی و تمامت بیمدانگ از جمله شش دانگ مزرعه موسوم به عین قری (آئینه قری)...

سنه ۱۰۱۳ ق. دوران شاه عباس اول



سند شماره ۵

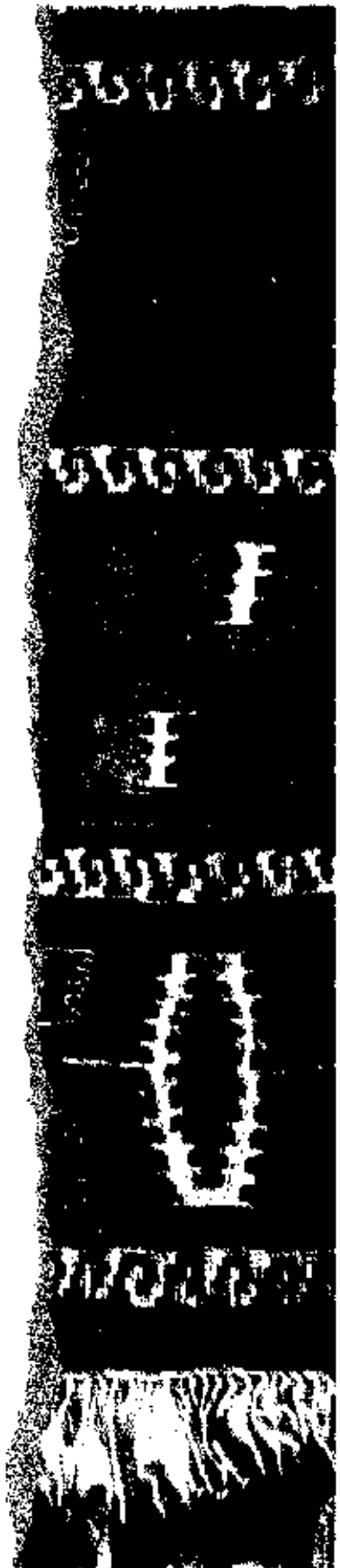
سند ملکی، که در بخشی از آن آمده «غرض از عرض این مقال شرعی المشاه و آمال، آن است که در بهترین وقتی از اوقات و شریف ترین ساعتی از ساعات، کمر علی کاخدا، ولد مرحمت پناه حاجی شاه قلی ذکی (۶) عن قوم «قشقایی» معروفاً بقر وخت ... به حاجی شاه منصور و هما «قشقایی» عبدالجلیلی، من القوم البایع المسطوره و مومی علیه بخیریدند از وی، به عقد شرعی و بیع صریح ملی، همگی و تمامت و جملگی و قاطعت نیم دانگ آب و زمین از جمله شش دانگ از کل هفتاد و دو حبه، واقع در مزرعه علیجوق، عن توابع وردشت، فی اعمال سمیرم فارس، مشهوراً به تمن و قیمت مقرر معین مقبوض فی المجلس عقد المایعه، به مبلغ هجده تومان تیریری مجدد شهروان مصروب مسکوک نصف مبلغ نه تومان رایج وقت نقره عباسیه (۷).

سنه ۱۱۰۵ ق. دوران شاه سلطان حسین صفوی

سند شماره ۴

سند ملکی، که در آن آمده «کمر علی کدخدای این مرحمت و غقران پناه حاجی شاه قلی کدخدای قشقایی معروفاً بولوسفه، بقر وخت ... به حاجی عباس قلی مشهوراً، ابن مرحمت و غقران مکان حاجی اوند (۸) من القبیله المذکوره، و مشارالیه بخیرید از او، به عقدی صحیح شرعی و بیعی صریح ملی، همگی و تمامت نیم دانگ آب و زمین از جمله شش دانگ از کل هفتاد و دو حبه املاک مزرعه معینه موسوم به علیجوق، از توابع وردشت فی اعمال سمیرم فارس، مشهوراً کماذکر، محدود به حدود اربعه اولاً به جبل سورمنده و به جان خواجه و به شارع





سمیرم و گرویه [کهرویه] او به فایاقلو مستثنی از حد و وصف و هما... به ثمن و قیمت مقرر معین معلوم. کما یوجد قدره فی الوصف. مبلغ بیست تومان تیریزی شهروان جاری در معاملات، نصفه مبلغ ... یکصد هزار دینار تیریزی شهروان به سکه صاحب قرانی ...»

سنه ۱۱۰۵ ق.، دوران شاه سلطان حسین صفوی»

قبایله‌های ازدواج:

سند شماره ۵

قبایله ازدواج، که در آن آمده: شاه‌مواز کدخدای، ابن مرحوم حاجی برات قلی قشقایی و قزقرخانلی ... (۸)

سنه احدی و عشرون و ماهه بعد الف ۱۱۲۱ ق.، دوران شاه سلطان حسین صفوی»

سند شماره ۶

سند ملکی که در بخشی از آن آمده است: بفروخت به بیع لازم جازم صحیح شرعی، به حضرت شفقت و مکرمت آثار عیسی کدخدای قشقایی، ابن مرحمت و غفران پناه حاجی الحرمین شریفین حاجی علیدوست کدخدای قشقایی ... بفروخت قاطبت سه حبه مفروضه از جمله نه حبه از کل هفتاد و دو حبه مزرعه ماشک، من محال چهار دانگه (۱۰) سردسیر فارس، که محدود می‌شود به جبل قلاتک و به رودخانه زردویله و به گردنه مروک و به املاک هونجان ...»

سنه ۱۱۲۵ ق.، خیمه و عشرون و ماهه الف، دوران شاه سلطان حسین صفوی»

سند شماره ۷

سند ملکی، که در آن آمده: موکیل و نایب شریعت و عصمت و خدایت پناه المسماء به سوگلو خانم، بنت مرحمت و غفران پناه حاجی الحرمین ... و رفعت آقا محمد نصیر، ابن مرحوم محمدباقر کدخدای قشقایی و ... بفروخت و کاله به عیسی آقا، ابن مرحوم معفور حاجی الحرمین شریفین حاجی علیدوست قشقایی، قاطبت یک حبه و نیم مفروضی از کل هفتاد و دو حبه مزرعه ماشک، من محال چهار دانگه سردسیر فارس، به عنوان اژت پدزی (۱۱)»

سنه خیمه و عشرون و ماهه بعد الف ۱۱۲۵ ق.، دوران شاه سلطان حسین صفوی»

سند شماره ۸

سند ملکی، که در آن آمده: الحمدلله رب العالمین و الصلوة تسلیم علی محمد و آله الطاهرین، باعث بر تحریر این کلمات شرعی، آن است که اقدام نمودند رفعت پناه عبدالحمید و عصمت پناهان بیک آغا خانم و مسینه جان خانم، بنتان منتصب به عبدالغفار قشقایی، بفروخت به بیع لازم اسلامی، بجناب رفعت و عزت پناهان و زبده الامتان و الاقران، آقا علیدوست و آقا محمد مومن، ابنان مرحوم معفور میرور عیسی آقا قشقایی و بیرامعلی و عبدالله، ابنان مرحوم توفیق آثار مشهدی فضل اله من القوم، و مشارالیهما، بخرباند از ایشان به عقد صحیح شرعی، همگی و تمامت موازی دو حبه و نیم از کل مشاع آب و املاک از جمله شش حبه از کل هفتاد و دو حبه مزرعه بوزم دو مزارع «هونجان» من توابع گرویه [کهرویه] با جمیع توابع و لواحق شرعیه ... به مبلغ ۸۵۰۰ دینار تیریزی فسی مضروب مسکوک مبیعه شرعیه و معاهده صریحه علیه مشتمله بر صیغه ایجاب و قبول ... (۱۲)

غره شهر الرمضان مبارک سنه ۱۱۵۴ ق.، دوره نادر شاه افشار»

سند شماره ۹

سند ملکی، که در آن آمده: حاضر شد عصمت و عفت خاتون آغا خانم، بنت مرحوم اله وردی کدخدای

قشقای و بفروخت به بیع صحیح شرعی، به علیدوست کلدخدا و محمد مومن کلدخدا، ولدان مرحوم المغفور عیسی کلدخدای قشقای، همگی و تمامت شش حبه آب و املاک از کل شش دانگ مزرعه گرگراه... (۱۳) سنه ۱۱۶۳ ه. ق. دوران کریم خان زند.

سند شماره ۱۰

(۱۰-۱) خرید و فروش کنیز در ایل قشقای (۱۴)

باخت تحریر این کلمات شرعیه الدلالات، آن است که حاضر شد در صحت نفس و کمال عقل، عالیشان معلی مکان، یحیی یک، ابن مرحمت پناه شهیار آفاده سوزی، من جماعت قشقای، و بفروخت به مبیعه صحیحه شرعیه، به عالیشان معلی مکان، محمد جعی یک، خلف مرحمت و خفران پناه جنت و رضوان آرامگاه محمد مهدی خان چوله سمیرم، و معظم آبه نیز بخرد از وی، به عقد معتبر در شرع انور، موازی یک نفر جاریه اسوداللون (=سیاه پوست) مریم نام، به ثمن مبلغ ده تومان تبریزی فقی زو نقد مبیعه صحیحه شرعیه و صیغه ایجاب و قبول شرعین، و اکنون جاریه مذکور را از بد بایع مزبور اخراج و به ید تصرف مشتری سابق الذکر، قرار و استقرار نیز یافت... سنه ۱۲۱۳ ق. دوره قاجاریه.

(۱۰-۲) الباقه از دواج

که در قسمتی از آن آمده، عقد واقع شد فیما بین عالیقدر و رفیع مقدار و مکرمت شعار، محمد باقر کلدخدا، خلف مرحمت و خفران پناه منصور کلدخدای هونجانی لهونجان، و عصمت و عفت پناه الباقه الباکره الرشیده الصخره المکرمه، المسماه به «ناه نسا خاتم» بنت مرحمت مآب، محمد باقر بیگ قشقای دهاقانی... سنه ۱۲۴۱ ه. ق. دوران فتعلی شاه قاجار.



سنگ نوشته ها:

سند شماره ۱۱

قدیمی ترین سنگ قبر مربوط به قشقایها، در آبادی ای به نام «کرن» در منطقه ی ویرانشهر سمیرم، پلاقی طایفه دره شوری پیدا شده است که بر روی آن سنگ قبر، تاریخ ۱۰۲۵ ق. حک شده، و مربوط به یکی از افراد تیره دذکی (۱۵) طایفه عمه قشقای می باشد و نشانگر آن است که افراد ایل قشقای، ۳۶۳ سال قبل، به فارس کوچیده اند. (۱۶)

سند شماره ۱۲

سنگ قبر دیگری به نام «سنگ قبر حاج قوجعلی قشقای» متوفایه سال ۱۰۵۰ ق. است که در کنار امامزاده ی سید محمد کران، در چهار محال بختیاری قرار دارد. (۱۷)

سند شماره ۱۳

در قبرستان مزرعه ماشک هونجان، سنگ فیری وجود دارد که بر روی آن، نقر شده است: «کل نسو الموت (۱۸) وفات مرحوم منوری بن باز علی قشقای» به تاریخ سه شهر رجب ۱۰۵۸ ق. (۱۹)

آنچه مذکور افتاد، نمونه ای از اسناد موجود دوران صفویه، افشاریه، زندیه و قاجاریه بود که واژه ی «قشقای» در آنها، به کار رفته است و انتظار می رود مورد توجه محققان ایلی قرار گیرد. لذا، واژه ی مذکور در اسناد دیوانی و نوشته های دوره صفویه، از اول حکومت شاه عباس (فرمان ۱۰۱۹ ق.) تا دوران حاضر، به شکل فعلی «قشقای» به



کار می‌رفته و می‌توان ریشه بابی واژه‌ی «قشقای» را، قبل از دوران صفویه و در دوران آق‌قویونلوها و قره‌قویونلوها جستجو کرد. بیشتر احتمال می‌رود که واژه‌ی «قشقای» تغییر شکل یافته‌ی واژه‌ی «قشقای» باشد که در اثر مرور زمان و لهجه‌های محلی و تحریف لفظ «قشقه‌ای» و «قشقای» پیدا شده باشد. به همان اندازه که تغییر و تبدیل «میسنی» به «مسنی» و «چایی» به «چی» صورت گرفته است. بنابراین، در مورد تغییر کلمه قشقای، که بار تولد (۲۰) نیز، منشأ لفظ قشقای را به آن نسبت داده است. باید گفت که این واژه، در باکوری قفقاز هنوز وجود دارد. در اینجا، باید به نام خانوادگی «پروفور میرعلی قشقای» استاد دانشگاه باکو در قفقاز، و به نام خانوادگی آقای وحسن قشقای، نماینده ریاضت کریم در مجلس شورای اسلامی (۱۳۷۹ تن)، اشاره کرد که هر دو واژه، می‌تواند ریشه واژه قشقای به حساب آید.

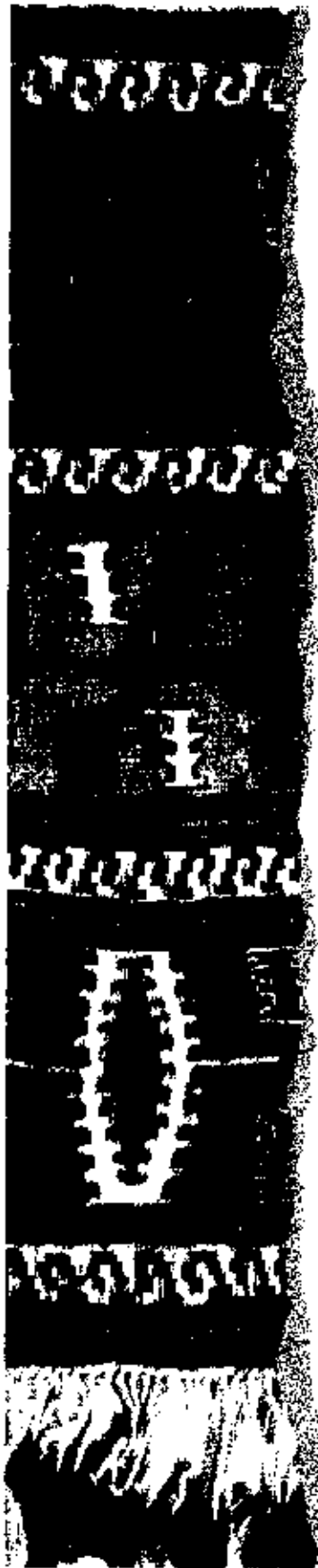
مرحومه منیرآلده‌له پیرنیا، در تصحیح نواریخ کامل نژادهای ایرانی، آورده است: ایل قشقای، از ایلات قفقاز است که هنوز هم قریب بیست هزار خانوار در دربند قفقاز، به نام «کشکائی» موجود و ساکن می‌باشد؛ حتی در یک قسمت از کوه و کمر دربند قفقاز، به لفظ ترکی حجازی شده که ترجمه آن چنین است: «در آنجا می‌نشینند ایلات کشکائی» (۲۱). مشیرالدوله، خوالین قشقای را، از نسل و نژاد اوزون حسن آق‌قویونلو معرفی می‌کند که در زمان شاه عباس یا شاه طهماسب، از اردبیل به طرف اصفهان مهاجرت کرده‌اند. پی‌یرلرینگ (۲۲) در مورد تغییر مکان ترکان قشقای، نوشته است: آنها، در سده‌های پنجم و ششم، در پی هجوم غزنویان و سلجوقیان، از آسیای مرکزی به خاورمیانه و ایران مهاجرت کردند. که با توجه به اسناد یاد شده، باید واژه‌های قشقای را در دوران آق‌قویونلوها و قره‌قویونلوها جستجو کرد. چون در سال ۸۱۳ ق. ۱۴۰۹ م.، متصرفات جلاپریان اذربایجان به دست قره‌قویونلوها افتاد و حکومت اوزن حسن آق‌قویونلو، از سال ۸۷۲ ق. ۱۴۶۷ م. شروع شد. متصرفات اوزن حسن، در سال ۸۷۳ ق.، از خراسان و خلیج فارس در شرق و جنوب و تا آناتولی در غرب کشیده شده بود و این موضوع، نظر این شهاب‌پزدی را، در مورد ترکانی که در گندمان بوده‌اند (۲۳)، مورد تأیید قرار می‌دهد. همچنین، واژه‌های باقی‌مانده از مهاجرت ترکان اوتیه، که در روستای قشقای نشین هونجان برجای مانده، احتمالاً می‌تواند مزید مهاجرت ترکان اوتیه، از مناطق آسیای صغیر و قفقاز به طرف جنوب و فارس باشد مانند نام خانوادگی «فرمان» در روستای هونجان، که واژه‌ی فرمان (۲۴) آن، منسوب به «ولایت فرمان» در جنوب آناتولی است.

فرمان، نام گروهی از ترکان غرب دور ترکیه می‌باشد که نزدیک دیاربکر و دریاچه وان، در ترکیه می‌زیسته‌اند؛ جایی که محل زیست ترکان آق‌قویونلو بوده است (۱۵۰۳ ق. ۱۴۰۳ م.). سرانجام با اشغال قونیه به دست عثمانیه، به حکومت امیران فرمان، پایان داده شد. همچنین، واژه‌ی قراچه‌ای، که نام طایفه‌ای از قشقای است و در روستای گمه از توابع سمیرم سکونت دارند و در زمان شاه اسماعیل، جزو جماعت همراه او بودند (۲۵) و واژه «قره‌قویونلو قاشی» (نام محلی در گذشته‌ی توکل) «واژه‌ی «سلطان خلیل» (۲۶) نام مرزعمای از توابع روستای هونجان، که تمام این اسامی و واژه‌ها، نشانگر مهاجرت و ورود ترکان قشقای، از ترکیه و غرب ایران به جنوب است. در پایان، به مقایسه واژه‌های ترکی قشقای، آذری و عثمانی، که مشابهت نزدیک به هم دارند، می‌پردازیم.

جدول شماره ۱

مقایسه واژه‌های ترکی قشقای روستای هونجان، با ترکی عثمانی و آذری

ردیف	ترکی قشقای «هونجان»	برابر فارسی	ترکی عثمانی (ترکیه) (۲۷)	ترکی آذری (۲۸)
۱	ایلدریم	برق	یلدیریم	الدیریم
۲	ای سیق	روستای نور	یشیک	ایشیق
۳	سیچاق (ق)	گرم	سیچاک	ایسی
۴	بیچاق	کارد	بیچاک	بیچاق
۵	بیش میش	پخته	پیش میش	پیشمیش
۶	سکسن	هشتاد	سکسن	هشتاد
۷	توپوق	فورک، مچ	توپوک	توپوق
۸	تورپاق	خاک	تورپاک	تورپاق
۹	بغاز	گلو	بغاز	بوغاز
۱۰	یاغی یور	می‌بارد	یاغی یور	یاغیر
۱۱	باشلی یور	شروع می‌کند	باشلی یور	باشلیر



ترکی آدلی	ترکی عثمانی (ترکیه)	دیایر فارسی	ترکی قشقایی «هونجان»	ردیف
گونئی	Guney	جنوب	گونئی	۱۲
فوزی	Kuzey	نه سرده شمالی	فوزی	۱۳
سفر	Sigir	گاو	سی غر	۱۴
اق	Beyaz	سفید	بیاض	۱۵
شافتالی	Seftali	هلو	شفتالی	۱۶
اتک	Etak	دامن	اتک	۱۷
یوغورت	Yogurt	ماست	یوغورت	۱۸
بوشارد	Bos	خالی کن، خالی	بشار د نئس	۱۹
ایاق	Ayak	پا	ایاق	۲۰
آغاج	Agac	درخت	آغاج	۲۱
گوبک	Gobek	ناف	گوبک	۲۲
سوپور	Supurge	جاروکن، جار	سوپور	۲۳
اوزوم	Uzum	انگور	اوزوم	۲۴
ساج	Sec	گیسو، موی سر	ساج	۲۵
اون	Un	آرد	اون	۲۶
وطن	Ulkə	مسلکت، وطن	اولکه	۲۷
یومورتا	Yamurta	تخم مرغ	نومورته	۲۸
دوداق	Dudak	لب	دوداخ (ق)	۲۹
موتفاخ	Mutfak	آشپزخانه	مفتخ	۳۰
کوپک	Kopuk	سگ	کوپک	۳۱
بال	Bal	عسل	بال	۳۲
کایا	Kotur	سنگ بزرگ	کوتور	۳۳
یاقوش	-	چغدا	یاقوش، یاقو	۳۴
اوغری	Ogri	دزد	اوغری	۳۵
یاز	Yaz	بهار	یاز	۳۶
تویوک	Tavuk	مرغ	توق	۳۷
بولوت	Bulut	ابر	بولوت	۳۸
یاغیش	Yagmur	باران	یاغوش	۳۹
چورک	EkmeK	نان	چرک	۴۰
قصاب	Kasap	قصاب	قصاب	۴۱
قرانلیک	Karanlık	تاریکی	قرنگی	۴۲
آچی	Aci	تلخ	آچی	۴۳
سوغان	Sogan	پیاز	سوغان	۴۴
دوگی	Pifinc	برنج	دوگی	۴۵
قیماق	Kaymak	خامه	قیماق	۴۶
دوز	Tiz	نمک	دوز	۴۷
اوغری	Agriyor	درد می کند	اوغریور	۴۸
ساق	sag	راست	ساق	۴۹
سول	Sol	چپ	چپ	۵۰
تب	Usufme	تب، سرماخوردگی	ایسیدمه	۵۱
اورتا	Orta	وسط	اورتا	۵۲
دری	DeriCilt	یوست	دری چلد	۵۳
اوکوز	Okuz	گاور	اوکوز	۵۴
ایک	Inek	گاو ماده	ایک	۵۵
کویون	Koyun	میتس	کویون	۵۶



ترکی عثمانی (ترکیه)	ترکی آزادی	برابر فارسی	ترکی قشقایی «هونجان»	ردیف
Keci	گچی	بز	گچی	۵۷
Deve	دوه	شتر	دوه	۵۸
Bank	بَنک	آسمان	گوی	۵۹
Dag	داغ	کوه	داغ	۶۰
Tas	تاش	سنگ	داتش	۶۱
Kie	کیش	زمستان	قش	۶۲
Cansamba	چارسامبا	چهارشنبه	چارشنبه	۶۳
Buyuk	بویوک	بزرگ	بیگ	۶۴
Kucuk	کوچوک	کوچک	کوجوک	۶۵
Geneklen	گرچکن	حقیقتاً	گرچک دن	۶۶
Kimsa	کیمسه	هیچکس	کیمسه	۶۷
Yi	یل	سال	ئیل	۶۸
GunBatan	گون باتان	غروب	گون باتان	۶۹
Butum	بوتون	تمام	بوتون	۷۰
Cagird	چاقیرد	صداکن	چاغور	۷۱
Çanta	چنتا	کیف	چننه	۷۲
Callyor	چتالی یز	زنگ می زند	چالییور	۷۳

بی نوشتها:

۱. سروس پرهام، دستاویزهای عشایری و روستایی فارس، ج ۸ انتشارات امیر کبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۴۹، ص ۶۸
 ۲. میرزا محمد ظاهر نصر آبادی، تذکره نظم آبادی، مصحح وحید دستگردی، سال ۱۳۷۷، چاپ ارمان، ص ۴۷۵ و ۴۷۶ در تذکره نصر آبادی، آمده است: ملا محمد شریف، از فرقه در توسفان آن من اعمال اصفهان و از اقربا و شاگردان ملا عبدالحق است. پدرش، استاد کلمی سنگرش بود. وی همواره شریف به میزبانی عرب و میباید اشپز و مالکده بود. میباید به شوخی نقل است بوزا کند. ملا محمد شریف، در این باب شمری می گوید: بعد از آنکه میر مویزد ۷۵۵ زیونی برای ملا محمد شریف فرستاد، این قطعه را گرفت:

کنهی، تحفه فرستاده بمی حضورت میر کانیچان تحفه نایبده فلک، مینایی
 هر که دید آن به سرچ، گفت: مبارک بافتنیاره لچیک پیر و خلیج و قشقلی
 ۱۳۲۳ هجری حاج باباخان، محمد رحیم خان، سلطان محمدخان آتشلی در روستای هونجان، ۶۰ کیلومتری شهرضا
 ۱۳۶۶ که خدای شاه قشقلی ۸ در مزرعه ماشک هونجان، جوی آبی احداث کرد که به نام جوی نوشاده شهرت و قدمت چهارصد
 ساله دارد و هنوز هم بهره برداری کشاورزان مزرعه ماشک است.
 ۱۳ اصل فریمان، در خانواده آتشلی ضبط است. این فرمان، تاکنون دوبار منتشر شده است.
 ۱۴ طلبه ددی، از طوایف اصل و قدیمی قشقلی و باخوانین هم مواصفت دارد. جد اعلاهی کیشلیان دنگهای، محمد حسن کیشلی
 می باشد. فرزند محمد حسن کیشلیان خان، و فرزند او، علی بابا کیشلیان فرزندش، جمال خان، و دختر علی بابا کیشلیان، همسر مرحوم
 حمزه خان کتکولی فرزند حاج عبدالله پرتز خدیجه بی بی، همسر مرحوم صولت الدوله قشقلی (سردار عشایر او مانر مهندس
 عبدالله کتکولی است. ییلاق آنها در دشت سرزم و قشلاق آنها بولسلی آبادرم است. مظهر نهرمانی ایوردی، وقایع عشایری
 فارس، ۱۳۷۳، ص ۴۶۹

۱۵ در دوره صعوبه، سکه طلار آتشلی و سرکه قره راه عباسی می نایبندند
 ۱۶ احتمالاً اسم «عاجی» الوند نشاند گرفته از نام آخوین رئیس آن قویونلوها به سال ۹۰۵-۱۳۹۹ م. است. کرو نوووزی جهان
 اسلام، ترجمه و حواشی از دایره اصفهانپاز، ۱۳۵۰، ص ۱۹۹
 ۱۷ استاد شماره ۸، ۳۷ و ۳۸ به سازمان اسلام ملی، نتیجه اصفهان اهدا شده است.
 ۱۸ چهار دانگه فارس، شامل: خنگشت، دشت اوجان، خسرو شیرین، کوشک (ز و موکر آن)، اسپاس است.
 ۱۹ اصل استان در خانواده آتشلی دنگهداری می شود.

۱۲ همان منبع.

۱۳ اصل سند، به سازمان اسناد ملی، شعبه اسفهان اهداء شده است.

۱۴ سازمان اسناد ملی ایران (اسفهان).

۱۵ طبقه ددکی، از مؤلف اصیل و قدیمی قشقایی و با خوانین موصلت دارد. جد اعلای کیشایان ددکه، محمد حسن کیشا می باشد. فرزند محمد حسن کیشا زاده جان، فرزند او، علی بابا کیشا و جمال خان، و دختر علی بابا کیشا، همسر مرحوم حمزه خان کشکولی، فرزند حاج عبدالله، برادر خدیجه بی بی، همسر مرحوم سردار ششار و ملا مهتدس عبدالله کشکولی است. بیلاق آنها در دشت سپهر و قسلاقی آنها ابوعلی اباندرم است. منطقه فهرمائی ایوردی، و قلع عشایری فارس، ۱۳۷۳، ص ۳۶۶.

۱۶ مهدی فرخو، پایان نامه دوره لیسانس، جغرافیای منطقه وردشت، دانشگاه اسفهان، ۱۳۶۹، ص ۶۵.

۱۷ سعید مردانی کزلی، پژوهشی در تاریخ و تمدن و فرهنگ چهار محال و بختیاری، انتشارات شهر کرده، ۱۳۷۵، ص ۳۶.

۱۸ این حمله عربی، از دیدگاه دستور زبان عرب، نامرست می باشد و بهتر بوده به صورت کلی شیء هلاک (همه چیز، نابود می شود) می آورد و یا آیه شریفه «کل من علیها فان» را از سوره مبارکه الرحمن، به جای آن می نوشت.

۱۹ لطف الله احتشامی، تحقیقات میدانی، فرستان مزرعه ماشک هونجان، ۶۰ کیلومتری شهر خد ماشک، جوی آبی احداث کرده به نام جوی «نوری» که شهرت و قدمت چهار صد ساله دارد هونوز، مورد بهره برداری کشاورزان در مزرعه ماشک است.

۲۰ فصلنامه عشایر دختر افلاک، شماره ۱۵، تابستان ۱۳۷۰، ص ۳۸.

۲۱ معطر فهرمائی ایوردی، تاریخ و قلع عشایری فارس، چاپ اول ۱۳۷۳ تهران، ص ۲۷.

Chowring, the District, Newslets of the Hinguz, 1977, 1.

۲۲ این شهرت، از سال ۸۱۸ ق. در فارس بوده و در جامع التواریخ، تصریح دارد به اینکه دگدمان به یلاق جمعی از ترکان بوده است شاه عباس اول (۸۱۸ ق.م) حرمت اندک هوای بیاز و سیر وادی و کوهسار، از دار السلطنه اسفهان به یلاق گدمان می فرمود. (ج ۱، کنده روضه الصفویه، ص ۴۰۹، ۴۱۰ و ۸۷۱ دستاویهای عشایری و روستائی فارس، ص ۱۶۸).

۲۳ رکن الدوله فرهاد خان فرامانی، از نتایج بهره ای بیگ در امانلو، که در حکومت شاه عباس، معسر به لقب خانی گردید، روضه الصفویه، ص ۱۰۱، ۱۰۰.

۲۴ زنده التواریخ، محمد محسن مستوفی، به کوشش بهروز گودرزی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۳۸.

۲۵ سلطان خلیل، یکی از لرهائی ایوردی، ۱۸۸۱ م. کروئولوژی جهان اسلام، داده اسفهان، ۱۳۵۰، ص ۱۶۹ و نام مزرعائی از روستائی هونجان.

۲۶ وادهای عسائی، بانظر دکتر حسین مر جعفری، استاد تاریخ دانشگاه اسفهان تنظیم شده است.

۲۸ وادهای آذری، بانظر دکتر سیروس شفق، استاد جغرافیای دانشگاه اسفهان تنظیم شده است.

۲۹ تزیب اسفندیه صورت، فرمایشات استاد ملکی، سنگو شته هاد بانظر دکتر سید حسن حسینی ایوردی، استاد جغرافیای دانشگاه اسفهان، تنظیم شده است.



منابع و ماخذ

۱. سروس برهام، دستاویهای عشایری و روستائی فارس ج ۸ انتشارات امر کبیر، چاپ اول، تهران، ۱۳۶۶، ص ۶۸.
۲. میرزا محمد ظاهر، امر آبدی، تذکره امر آبدی، تصحیح وحید دستگردی، سال ۱۳۱۷، چاپ زمستان، صص ۲۱۶ و ۲۱۷.
۳. حسین محمدزاده، مقاله بزرگان است، میرزا مادون قشقایی در بروجین، روزنامه همشهری، پنجشنبه ۲۵ تیر ماه ۱۳۷۷، سال هشتم، شماره ۱۵۹۰، ص ۱۱.
۴. معطر فهرمائی ایوردی، و قلع عشایری فارس، چاپ اول ۱۳۷۳، انتشارات علمی تهران، ص ۳۶۶.
۵. رخسار و احتشامی، از مضرب نامحراب، سال ۱۳۷۰، ص ۶۸.
۶. ایرج افشار، بعد از اجداد فرهنگی و هنری، شماره ۲، خرداد و تیر ماه ۱۳۷۹، ص ۵۱.
۷. داده اسفهانیا، کروئولوژی جهان اسلام، ترجمه و حواشی، سال ۱۳۵۰، اسفهان، ص ۱۶۹.
۸. مهدی فرخو، پایان نامه دوره لیسانس، جغرافیای منطقه وردشت، دانشگاه اسفهان، ۱۳۶۶، ص ۳۵.
۹. سعید مردانی کزلی، پژوهشی در تاریخ و تمدن و فرهنگ چهار محال و بختیاری، انتشارات شهر کرده، ۱۳۷۵، ص ۳۶.
۱۰. میرزا بیگ حسن بن حسینی خانی، روضه الصفویه تاریخ دوره صفویه، به کوشش غلامرضا مجد طباطبائی، تهران، ۱۳۷۸، صص ۲۹۶، ۴۰۹، ۴۱۰، ۸۷۹.
۱۱. زنده التواریخ، محمد محسن مستوفی، به کوشش بهروز گودرزی، تهران، ۱۳۷۵، ص ۳۸.
۱۲. سازمان اسناد ملی ایران (اسفهان).
۱۳. اسناد ارائه تنظیم و عطف لاله احتشامی ضبط است.



بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خاتم النبيين
مما مضى
والله اعلم
بما يخفى

در بیان فضیلت اهل بیت
علیهم السلام
در بیان فضیلت اهل بیت
علیهم السلام
در بیان فضیلت اهل بیت
علیهم السلام
در بیان فضیلت اهل بیت
علیهم السلام
در بیان فضیلت اهل بیت
علیهم السلام

در بیان فضیلت اهل بیت
علیهم السلام
در بیان فضیلت اهل بیت
علیهم السلام
در بیان فضیلت اهل بیت
علیهم السلام
در بیان فضیلت اهل بیت
علیهم السلام
در بیان فضیلت اهل بیت
علیهم السلام
در بیان فضیلت اهل بیت
علیهم السلام

۱۰۱۹

در بیان فضیلت اهل بیت
علیهم السلام



سید مرتضیٰ موسوی خراسانی، کلام فی التفسیر، ج ۱، ص ۱۰۰

قدوة الامامین و الابرار بنبره و انوار الیقین که در تفسیر قرآن کریم است که در این کتاب است

ایضا در تفسیر قرآن کریم است که در تفسیر قرآن کریم است که در تفسیر قرآن کریم است

یستشید بالبرهان علی العجز من ان فیها من ارباب التفسیر و الابرار بنبره و انوار الیقین

این عرق غزالی است که در تفسیر قرآن کریم است که در تفسیر قرآن کریم است

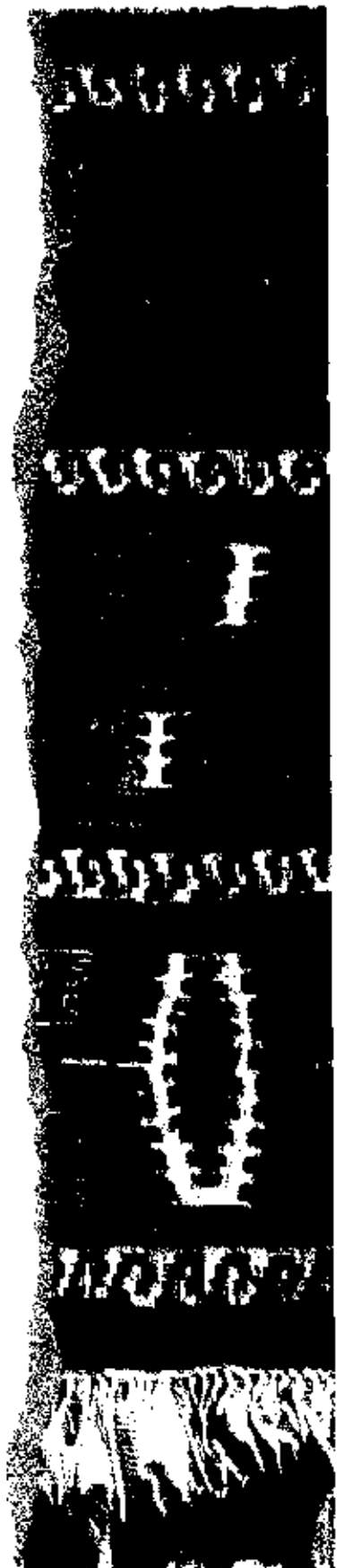
زین کتاب است که در تفسیر قرآن کریم است که در تفسیر قرآن کریم است

کتابی است که در تفسیر قرآن کریم است که در تفسیر قرآن کریم است

کتابی است که در تفسیر قرآن کریم است که در تفسیر قرآن کریم است

کتابی است که در تفسیر قرآن کریم است که در تفسیر قرآن کریم است





فردی که در این راه است
در این راه است که منتظر باشد
و منتظر باشد که منتظر باشد

بگویم که منتظر باشد
و منتظر باشد که منتظر باشد
و منتظر باشد که منتظر باشد

بگویم که منتظر باشد
و منتظر باشد که منتظر باشد
و منتظر باشد که منتظر باشد

بگویم که منتظر باشد
و منتظر باشد که منتظر باشد
و منتظر باشد که منتظر باشد

بگویم که منتظر باشد
و منتظر باشد که منتظر باشد
و منتظر باشد که منتظر باشد

